مجلهٔ
دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی
دانشگاه فردوسی

شمارهٔ سوم — پاییز ۲۵۳۵ شاهنشاهی (۱۳۵۵ هجری شمسی) — سال دوازدهم

جلال متینی

بمناسبت
پنجاهمین سال شاهنشاهی پهلوی

هزارهٔ فردوسی

نخستین گام استوار در راه تحقیقات ادبی به شیوهٔ علمی*

«بسیار مسروریم از این که بواسطهٔ پیشامد جشن هزار سالهٔ فردوسی موفق می‌شویم که وسائل انجام یکی از آرزوهای دیرین ملی ایران را فراهم آوریم و با ایجاد این بنا درجهٔ قدردانی خود و حق‌شناسی ملت ایران را ابراز نمائیم، رنجی را که فردوسی طوسی در احیاء زبان و تاریخ این مملکت برده است ملت ایران همواره منظور داشته و از این که حق آن مرد بدرستی ادا نشده بود متأسف و ملول بوده است. اگرچه افراد ایرانی باعلاقه‌ای

* سخنرانی درمراسم سالگرد «هزارهٔ فردوسی» و افتتاح آرامگاه این شاعر بزرگ، به‌مناسبت پنجاهمین سال شاهنشاهی دودمان پهلوی، ۲۰ مهرماه ۲۵۳۵ شاهنشاهی، دانشگاه فردوسی.

که به‌مصنف شاهنامه‌دارند قلوب‌خودرا آرامگاه اوساخته‌اند، ولیکن لازم بود اقداماتی بعمل‌آید و بنایی آراسته گردد که بصورت‌ظاهرهم نمایندهٔ حق‌شناسی این‌ملت باشد. بهمین‌نظر بودکه امر دادیم در احداث این یادگار تاریخی بذل مساعی بعمل آید.

صاحب شاهنامه باافراشتن کاخی‌بلند که ازباد وباران حوادث‌گزند نمی‌یابد، نام‌خودرا جاویدان‌ساخته وازاین مراسم و آثاربی‌نیاز می‌باشد ولیکن قدردانی ازخدمتگزاران وظیفهٔ اخلاقی ملت‌است‌و از ادای‌حق نباید فروگذارنمود ...» .

این قسمتی ازبیانات اعلیحضرت رضاشاه‌کبیر سردودمان خاندان پهلوی‌است بهنگام افتتاح آرامگاه فردوسی درروز بیستم‌مهرسال ۲۴۹۳ شاهنشاهی‌برابرباسال۱۳۱۳خورشیدی‌درشهرطوس،درهمین‌مکان‌مقدسی که‌امروزنیزآرامگاه‌باعظمت فردوسی درآن قدبرافراشته‌و سالهاست در سرزمین خراسان‌بصورت زیارتگاهِ همهٔ ایران‌دوستان درآمده‌است .

دربارهٔ اقدامات بنیادی متعدد و متنوعی‌که درطی دوران سلطنت آن شاهنشاه‌توانا و میهن‌پرست انجام‌پذیرفته بسیار گفته‌اند ونوشته‌اند. ملت ایران بخصوص درسال ۲۵۳۵ شاهنشاهی که پنجاهمین‌سال شاهنشاهی دودمان پهلوی‌را جشن گرفته است ، فرصتی‌مناسب دراختیار دارد که تحولات وپیشرفتهای‌ایران‌را درطی‌دوران پنجاه‌سال پادشاهی‌دوشاهنشاه بزرگ خاندان پهلوی : اعلیحضرت رضاشاه‌کبیر و اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر دقیقاً موردبررسی قراردهد ، وبخصوص جوانان و نیز کسانی‌را که‌دوران جوانی‌را پشت‌سر گذاشته ودرآغاز این‌دوران در ایران دیده به‌جهان‌گشوده‌اند ، مخاطب قراردهد وبامراجعه به‌اسناد وآمار بیان

کند ایران پنجاه‌سال اخیر باایران قبل‌از این‌دوران چه‌تفاوتهای فاحش و چشگمیری پیداکرده و بصراحت بگوید این‌همه پیشرفت مرهون‌زحمات چه‌کسانی‌است . افرادی‌که در نیم قرن‌اخیر درایران چشم‌بجهان گشوده‌اند حق‌دارند اگر بپندارند صدسال‌پیش‌نیز لابد وضع‌درایران بدین‌منوال بوده است ، بخصوص موقعی‌که ایشان اوضاع برخی ازکشورهای اروپایی و آمریکایی‌را دریك‌قرن‌اخیر مطالعه می‌کنند و می‌بینند وضع این‌کشورها در پنجاه‌سال‌اخیر باپنجاه‌سال پیش‌از آن تفاوتهای آشکاری ندارد . ولی حقیقت آنست‌که کارایران عزیزما دراین‌مورد باکشورهای پیشرفتهٔ اروپاو آمریکا درآن‌روزگار قابل‌قیاس نیست . هرصاحب‌نظر بیطرفی به‌آسانی می‌تواند دریابد که رضاشاه‌کبیر ، این‌سربازدلیر وایران‌دوست ، چگونه این ملت خفته‌رابه‌حرکت واداشت وچگونه بابرنامه‌ریزی‌های دقیق و مراقبتهای شبانروزی‌خود ایرانیان‌را درزمینه‌های گوناگون به‌شاهراه‌ترقی هدایت فرمود ، وچگونه پس‌ازاین‌شاهنشاه‌بزرگ ، در دوران سی‌وپنج‌سال شاهنشاهی اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر ، ایرانی که بدست سردودمان‌پهلوی‌ازخواب‌غفلت بیدارشده وحرکت مطمئنی‌را بسوی ترقی وتعالی آغازکرده‌بود، توانست بابرخورداری ازرهبریهای داهیانهٔ‌شاهنشاه آریامهر خودرا درصف کشورهای پیشرفتهٔ‌جهان قراربدهد ، وعلاوه‌برحل مشکلات‌داخلی وتامین رفاه‌عمومی در زمینه‌های گوناگون ، در سیاست جهانی نیز ازاعتبار ونفوذی‌فراوان برخوردارگردد .

غرض‌بنده دراین‌مجلس فقط ذکر این‌نکته‌است که‌برگزاری هزارهٔ فردوسی درنخستین‌سالهای سلطنت اعلیحضرت رضاشاه‌کبیر چه‌تاثیری درکارهای‌علمی وادبی کشورما داشته‌است .

برای‌جوانان‌ما طرح این‌موضوع شاید بسیارعجیب‌بنماید. زیراایشان سالهاست که هرگاه روزنامه‌ای‌را مطالعه می‌کنند ویا به‌اخبار رادیو و

تلویزیون گوش‌فرامی‌دهند ازبرگزاری کنگره ، مجلس‌بحث ، مجمع‌علمی و امثال‌آن اخبارمتعددی می‌خوانند ومی‌شنوند . دردانشگاهها ومراکزعلمی وادبی‌ایران درهرسال‌مجالسی باحضورجمعی ازصاحب‌نظران‌ودانشمندان ایرانی وخارجی تشکیل‌می‌شود وشرکت‌کنندگان دراین‌محافل‌علمی نتیجهٔ آخرین مطالعات وپژوهشهای‌خودرا درزمینه‌های‌خاص به‌اطلاع دیگران می‌رسانند . امروز درمؤسسات‌علمی کشورما تشکیل چنین‌مجالسی از واجبات وضروریات شناخته شده‌است وکسی‌که باهریك ازرشته‌های علم وادب سروکاردارد نمی‌تواند تصورکند که‌بی‌تشکیل این‌گونه مجامع کارعلم وادب رونقی‌بگیرد . برای مثال‌می‌توانم بعرض برسانم که‌فقط در شهریور ماه‌گذشته دردانشگاه‌فردوسی دومجمع علمی «کنفرانس پژوهشهای‌شیمی درایران» و«چهارمین‌کنگرهٔ جغرافی‌دانان‌ایران» باشرکت‌گروهی‌ازاستادان و دانشمندان تشکیل گردیده و چنین‌است وضع در دیگر دانشگاهها و مؤسسات‌علمی در تمام‌ماههای‌سال . ولی‌اگر به‌سالهای پیش‌ازسال ۲۴۹۳ شاهنشاهی (۱۳۱۳ خورشیدی) بازگردیم ، ملاحظه‌می‌کنیم درکشورما ، ایران ، که مهدعلم وادب وسرزمین‌عالمان وادیبان وشاعران ناموربوده‌است هرگز مجلسی‌علمی برای بزرگداشت یك‌شاعر یایك‌نویسنده وعالم تشکیل نگردیده‌بوده‌است. درحالی‌که لابد برخی ازعلما وادبا وسیاستمداران‌ما که دردوران‌قاجاریه با اروپاییان، ومجامع‌علمی‌وادبی‌ایشان ، آشنایی‌داشته‌اند بخوبی ازکیفیت برگزاری چنین‌مجالسی درکشورهای خارجی آگاه‌بوده‌اند و ازجمله نیك می‌دانسته‌اند که فی‌المثل در سال ۱۸۷۳ میلادی نخستین کنگرهٔ بین‌المللی شرق‌شناسان درشهرپاریس برگزار گردیده‌بوده‌است. ولی تاپیش‌از سال ۲۴۹۳ نه‌پادشاهی در ایران به‌فکراین بوده‌است که‌به‌منظور بزرگداشت یکی‌ازفرزندان نامدار این‌مرزوبوم مجلسی باحضوردانشمندان ایرانی وخارجی تشکیل‌دهد یا بنای یادبودی برای‌ایشان برپاکند ، ونه‌اهل

علم وادب که‌یقیناً تعدادشان درروزگار قبل‌از پنجاه‌سال‌اخیرنیز کم‌نبوده است به‌فکر چنین‌کارهایی بوده‌اند ونه‌مملکت ثبات‌وآمادگی چنین‌اقداماتی را داشته‌است

بطوری که ملاحظه فرمودید در ایران نخستین مجلس علمی برای بزرگداشت فردوسی ، درحالی‌که فقط چندسال ازآغاز شاهنشاهی دودمان‌پهلوی می‌گذشته ، تشکیل شده‌است . درمراکزعلمی جهان‌نیز برای تجلیل ازمقام فردوسی مجالسی تشکیل‌می‌گردد، گروهی ازمحققان‌وادیبان طرازاول کشورهای مختلف ، ازآسیا واروپا وآمریکا وافریقا ، به‌دعوت دولت‌ایران روانهٔ تهران وطوس می‌شوند . دولت‌ایران دراجرای اوامر شاهنشاه‌خود برای اولین‌بار درصدد برمی‌آید بنای یادبودی آن‌چنان‌که درخور شان‌والای فردوسی‌است درطوس برپاکند . مجالس سخنرانی به‌شیوهٔ‌متداول درمراکزعلمی‌جهان درتالاردبیرستان‌دارالفنون‌تهران تشکیل می‌شود وهریك ازصاحب‌نظران نتیجهٔ‌تحقیقات خودرا دراین‌مجلس‌عرضه می‌کنند وچندتن ازشاعران‌خارجی نیزاشعاری درباب‌فردوسی می‌خوانند. تصدیق می‌فرمایید که‌حتی پذیرایی ازچنین‌مهمانانی درآن‌روزگار درایران کار بسیاردشواری بوده‌است چه‌رسد به‌کارهای‌دیگر ؛ وبخصوص عزیمت آنان به‌مشهد جهت‌شرکت درمراسم افتتاح آرامگاه‌فردوسی‌که درپیشگاه اعلیحضرت رضاشاه‌کبیر برگزارمی‌شده‌است موضوعی‌است درخورذکرو تجلیل وتکریم .

اگر آنچه‌را که درمهرماه سال ۲٤۹۳ شاهنشاهی درتهران و مشهد برای اولین‌باربه‌منظوربزرگداشت یکی‌ازفرزندان‌ایران انجام پذیرفته‌است بدقت مورد بررسی قرار دهیم ، یعنی تشکیل مجالس سخنرانی و ساختمان آرامگاه فردوسی و تصحیح انتقادی ونشر شاهنامه را

-آن‌هم بی‌هرگونه تجربهٔ قبلی- بیشتر به‌عظمت‌کار پی‌می‌بریم . بویژه اگر این‌حقیقت‌را نیز درمدّنظربگیریم که دولت برای‌ساختمان این‌بنای‌یادبود ناگزیر بوده‌است بافروش بلیط بخت‌آزمایی درآمدی کسب‌کند ، یعنی استمداد ازهمت‌مردم درکاری‌بزرگ وملی . همه این‌کارهادیدی عالمانه و جهانی وهمتی مردانه وعزمی‌آهنین لازم‌داشت که دروجود شاهنشاه ایران موجود بود .

برگزاری هزارهٔ‌فردوسی ونیزساختمان آرامگاه‌فردوسی سرمشقی بود برای ملت‌ایران درزمینهٔ بزرگداشت نامداران علم‌وادب این‌سرزمین اهورایی کهنسال . خدای‌را شکرکه دردوران سلطنت اعلیحضرت همایون شاهنشاه‌آریامهر نیزاین‌شیوهٔ مرضیه در ابعادی بسیار وسیع ادامه‌یافت، بطوری‌که امروز ایران‌عزیزما بصورت‌کانونی برای‌برگزاری این‌گونه‌مجالس ادبی وعلمی درآمده‌است ، یادگاری‌بزرگ و سیره‌ای‌پسندیده درنشردانش ومعرفت که‌مطلع‌آن هزارهٔ فردوسی بود .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی